

## بمناسبت اول مهر ۱۳۹۴

### بازگشایی مدارس

سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ آغاز میشود. میلیونها دانش آموز و دانشجو خود را برای ورود به کلاسهای درس در مدارس، دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی آماده میکنند. خانواده ها در شرایطی با بیم و امید فرزندان خود را بدرقه راه مدارس میکنند که فشار اقتصادی بسیاری از آنها را حتی از تامین ابتدائی ترین نیازهای معیشتی و خوراکی فرزندان خود عاجز کرده است. فقر، بسیاری از جوانان و نوجوانان طبقات زحمتکش را همچنان در آتش حسرت و ورود به مدارس و دانشگاه ها میسوزاند. گسترش توزیع و مصرف مواد مخدر در مدارس و دانشگاه ها، آینده جوانان را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است. معلمان زحمتکش که مسئولیت بزرگ آموزش و پرورش جوانان را برعهده دارند، بدلیل عدم تکافوی حقوق معلمی ناچارند اوقات فراغت خود را به جای مطالعه و آمادگی برای تعلیم و تربیت جوانان، در مشاغل فرعی نظیر مسافر کشی و کارهای دیگر سپری کنند. در سیستم ارتجاعی آموزشی ایران، مفاد درسی مبشر خرافات و مروج کهنه پرستی و تاریک اندیشی اند و به زور در مغز جوانان فروبرده میشوند. کمبود فضای لازم آموزشی و نبود تجهیزات مدرن، بویژه دانش آموزان و دانشجویان بسیاری از شهرها و روستاهای کشور را از کسب دانش لازم و استفاده از حضور معلمان و مدرسان کارآموده محروم کرده است.

ادامه در صفحه ۴

## ترکیه زیر چکمه های فاشیسم

مردم ترکیه هر روز با قتل و عامها و جنایات تازه ای بیدار میشوند. هر روز آزادی و انسانیت در ترکیه زیر چکمه های داعش اردوغان لگدمال و سلاخی میشود و با ایجاد این چنین جو مرگ زا و وحشتناک و با حمام خون توده ها بویژه خلق کرد، رژیم ارتجاعی اردوغان میخواهد انتخابات اول نوامبر را با نتیجه رضایتمندانه ای برگزار کند.

ادامه در صفحه ۴

## کشور را حکام دزد و نالایق به

### کدام سو میبرند؟

محسن رجب زاده

در حالی که منطقه خاورمیانه در جنگ و آتش میسوزد و هر ثانیه خبر کشته شدن عده ای از مردم بی دفاع خصوصا کودکان قلبهای پر از کینه ما را به درد می آورد بیم تازه ای بر جانم افتاده و بیش از گذشته مرا نگران کرده و بفکر وا داشته است.

ادامه در صفحه ۴

## کشته شدن کارگر انقلابی و زندانی.

### شاهرخ زمانی را بشدت محکوم می

#### کنیم

خبر کشته شدن شاهرخ زمانی بسیار تکان دهنده بود و برای جنبش کارگری و بویژه جنبش چپ ایران و تمامی آن کسانی که علیه رژیم نکبت بار اسلامی ایران مبارزه می کنند، فقدان بزرگی بشمار می آید. مدارک و ادله های پزشکی رژیم مبنی بر سکتة مغزی مثل همیشه مضحک و توهین به شعور میلیونها نفر در ایران و خارج از ایران که به کارنامه آدمکشی رژیم بخوبی واقفند است. هیچکس در زندانهای مخوف رژیم اسلامی به مرگ طبیعی نمی میرد و این عذر بدتر از گناه رژیم از هرگونه اعتباری ساقط است. رژیم سرمایه داری اسلامی کی و کجا توانست با این تلاشهای مذبحخانه کسی را متقاعد کند که کشته شدن ستار بهشتی ها و اکبر محمدی ها و صدها زندانی دیگر حاصل یک مرگ طبیعی بوده؟

ادامه در صفحه ۴

## هیچکس "غیر قانونی" نباید باشد

نوشین شفاهی

در پاسخ به تراژدی مرگ پناهند ها در اتریش فاجعه پناهنده ها همچنان ادامه دارد. اجساد 71 نفر که به گفته مسئولین احتمالا سوری بوده در یک کامیون رها شده پیدا شد. مرگ این انسانهای بی پناه دل هر انسانی را شدیداً بدرد می آورد. این افراد که چندین کودک هم در میان آنان هستند در دمای 90 درجه بحال خود رها شده که در آن دمای طاقت فرسا هلاک شوند. برآستی چه کسانی مقصردند؟ درهای بسته و قوانین ضد پناهندگی اروپا یا قاچاقچیان بیرحم و سنگدل؟ یا هر دو؟

ادامه در صفحه ۴

**بمناسبت اول مهر ۱۳۹۴ و بازگشایی مدارس...**

# کشته شدن کارگر انقلابی و زندانی، شاهرخ زمانی را بشدت محکوم می کنیم



این واقعیتهای دردناک انعکاسی است از وضعیت جامعه در مدارس دانشگاه ها و جوانان و کودکانی که از امکان تحصیل محروم هستند این ها مسائل و مشکلاتی نیستند که دانشجویان، دانش آموزان و آموزگاران مبارز و پیشرو دیده بر آنها برینند. طی سالهای گذشته آموزگاران، دانشجویان و دانش آموزان جوانان دست به اعتراضات گسترده ای زدند و رژیم برغم درپیش گرفتن سیاست سرکوب و برغم برپاکردن بیدادگاه ها و بریدن محکومیت های سنگین برای فعالین این جنبشها، اما هرگز نتوانسته است این حرکتها را متوقف کرده و به اهداف سرکوبگرانه خود برسد. رشد و ارتقای سطح آگاهی و درک آموزگاران، دانشجویان و جوانان از وضعیت جامعه و تلاش آنها برای ایجاد پیوند و همبستگی با جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی و گسترش ایده های آزادیخواهانه و سوسیالیستی در دانشگاه ها و مدارس و مراکز آموزشی چشم انداز گسترش و تعمیق این جنبشها را در افق مبارزه طبقاتی باهدف سرنگونی نظام حاکم و پایان دادن به ستم و استثمار و زور سرکوب و پایه ریزی سیستم آموزشی مترقی، انقلابی و مدرن همراه با تحصیلات به زبان مادری و رایگان برای کلیه شهروندان، نمایان میسازد.

مشکل بزرگ دیگر میلیونها جوان که به امید کسب دانش راهی مدارس میشوند وجود تبعیض جنسی، ملی و مذهبی، آزار جسمی و روحی و سرکوب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی، ممنوعیت تشکل مستقل و محرومیت از آزادی بیان است. دولت بزرگترین مروج و مشوق تبعیض جنسی، مذهبی و ملی در مدارس است هم اکنون میلیون ها کودک و نوجوان بدلیل ممنوعیت تدریس به زبان مادری مورد تبعیض قرار میگیرند، آنها ناچارند از همان ابتدا با زبانی غیر از زبان مادری خود، زبانی که با آن آشنائی ندارند و یا آشنائی کافی ندارند، تحصیل را آغاز کنند. این تبعیض میزان فشار روحی و روانی بر آنها را افزایش داده و درجه موفقیت شان را در آموزش دروس پائین میآورد.

مافیای قدرت و ثروت حاکم بر کشور اعتراض بر علیه این تبعیضات را با سرکوب و زندان و شکنجه پاسخ میدهد. بسیاری از آموزگاران، استادان و دانش آموزان و دانشجویان پیشرو و مترقی و انقلابی که خواستار رفع تبعیض، داشتن تشکل مستقل و آزادی بیان میشوند با سرکوب و اخراج از مدارس و مشاغل مواجه میشوند. اکنون در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید رهبران اعتراضات معلمان در زندانها و شکنجه گاه ها به سر میبرند. و در روزهای اخیر عده دیگری از معلمان و فعالان مدنی و دانشجویی دستگیر و روانه زندان شده اند.

چنین است شمه ای از اوضاع اجتماعی، سیستم آموزشی و وضعیت کودکان، نوجوانان، آموزگاران و استادان در آستانه بازگشایی مدارس کشور.

هیچکس در زندانهای مخوف رژیم اسلامی به مرگ طبیعی نمی میرد و این عذر بدتر از گناه رژیم از هرگونه اعتباری ساقط است. رژیم سرمایه داری اسلامی کی و کجا توانست با این تلاشهای مذبحخانه کسی را متقاعد کند که کشته شدن ستار بهشتی ها و اکبر محمدی ها و صدها زندانی دیگر حاصل یک مرگ طبیعی بوده؟ که در مورد قتل شاهرخ زمانی که در جامعه جهانی کارگری نامی آشنا و محبوب دارد بتواند موفق به قبولاندن این فریبکاری شود؟ ما کمونیستها و مدافعین سرسخت حقوق و آرمانهای کارگری هرگز اجازه نخواهیم داد که رژیم اسلامی دستهای خون آلوده و کثیفش را از این جنایت براحتی بشوید و زندانیان سیاسی را یکی پس از دیگری ردیالانه از بین ببرد. مرگ طبیعی در زندانهای رژیم اسلامی به اندازه کافی موضوعی نه فقط تحقیرآمیز بلکه گستاخی اشکار به حرمت جامعه کارگری ایران و جهانی است. این قتلهای زنجیره ای در داخل زندان و در نتیجه اعمال شکنجه های وحشیانه رژیم تنها و تنها در متن کارنامه کلی رژیم آدمکش ایران قابل توضیح است و بس، در کنار دار زندها و تیرباران کردنها، در کنار ترورهای داخل و خارج و قتلهای سراسری و اسید پاشی و... که تماما بدست مزدوران و ماموران رژیم انجام گرفته و میگیرد.

## هیچکس "غیر قانونی" نباید باشد



بنا به گزارش سازمان بین المللی مهاجرت، تعداد پناهندگانی که در تلاش خود برای رسیدن به اروپا از طریق دریا به هلاکت رسیده اند، سال گذشته 3281 نفر و امسال 2373 نفر بوده اند. واضح است که این آمار شامل تعداد بسیاری از قربانیان دیگری که در مسیر راه، خاموش می میرند و مرگشان انعکاس جهانی نداشته و یا به تریبونهای خبری راه پیدا نمی کند، نمیشود. کشتی های واژگون شده و کانتینرهای کوچک و بزرگ مرگ آفرین همه و همه بازتاب قوانین غیر انسانی پناهندگی در کشورهای مقصد است. انسانهای بیشماری که اسیر جنگ و سرکوب و بی خانمانی ای گشته اند که خود این کشورها در کنار ناتو یا بانی آن بوده و یا از حامیان آن بوده اند. آنها برای یافتن مکانی نسبتاً امن، جانشان را این چنین به حراج گذاشته و بیصدا و هولناک می میرند. از زمانیکه داعش حضورش را با قتل و عامهای فجیعانه اش ابراز کرد، قاچاقچی های انسان هم که اکثریت آنان از کمترین انگیزه های انسانی هیچ بویی نبرده، سیستماتیک تر و سازمانیافته تر وارد عمل شده اند. با کاهش نرخ برای قاچاق گروهی، عملاً پناهنده هایی که امکانات پولی و مالی بسیار ناچیزی دارند را به سفرهای گروهی تشویق می کنند ولی ناامنی و خطر مرگ بسیار جدی و تقریباً غیر قابل اجتناب را فریبکارانه ناچیز نشان میدهند. کسانی که میخواهند از امکانات امنتری برخوردار

شوند باید مبالغ بسیار بیشتری بپردازند که اکثراً توان آنها ندارند. این تراژدی انسانی برای افراد بیشماری که از بربریت داعش در عراق و سوریه فرار میکنند و هستی و نیستی شان به آتش کشیده شده، و یا سومالیایی هایی که از توحش الشباب گریخته اند و یا مردم گرفتار دیگری در اریتره یا سنگال که برای یک زندگی امن حاضرند هر خطری را بجان بخرند ولی بدست این وحشیان مُتله نشوند، داستانی همیشگی است. این دسته از پناهنده ها مشتریان این "قاچاق گروهی" هستند. چرا هنوز هم باید شاهد تکرار این فجایع بشویم؟ وجدان جهانی باید از این مصیبت شرم کند! 71 نفر از چه اوضاع و شرایطی فرار کردند که اینگونه بکام مرگ رفتند؟ مرگی که دردش بسیار بیشتر از گردن زندهای داعشیانی بود که از دستش میخواستند بگریزند، در کامیونی با جایی بسیار تنگ و بدون پنجره، روی هم انبار شده تا در گرمای 90 درجه تابستان مثل اتاقهای گاز نازیستها خفه شوند. برآستی قلب انسان درد میگیرد. اینهم چهرای دیگر از توحش عربیان و نهان دنیای کثیف سود محوری. این قاچاقچیان سنگدل هم مثل هر باند و گروه تبهکار دیگری محصول مستقیم قوانین ضد پناهندگی اروپا هستند. اینها نتیجه یک سیستم مریض و منحط هستند که جان انسانها برایش یک موضوع درجه دوم و ناچیز است. سرمایه داری میکشد و می چاید و تبهکار می زاید. چطور وجدان انسان میتواند آسوده بماند وقتی که این کشورها درهاپشان را بروی انسانهایی می بندند که از دست آدمخورهای پرورش یافته خودشان گریخته اند و تن به هر خطری می سپارند که شاید زندگی دوباره ای آغاز کنند؟ کنوانسیون حقوق بشر چه حقوقی را دقیقاً

شامل " حقوق بشر " میدانند که شامل انسانهایی که از آدمکشان داعش و الشباب و دیگر برادران اسلامی اش فرار میکنند، نمیشود؟

تا زمانیکه سرکوب و کشتار و فقر و فلاکت سیستم ضد انسانی سرمایه داری وجود دارد و گوشه هایی از این دنیا را برای زحمتکشان و بی چیزان به یک جهنم واقعی تبدیل کرده، این موج انسانی را نمی شود متوقف کرد و متوقف هم نخواهد شد. هر انسانی حق دارد برای دسترسی به شرایطی انسانی تر و بهتر با هر وسیله و امکانی که در اختیار دارد، بکوشد، از جمله ترک خانه و دیارش. تا زمانیکه این توحش آشکار در قید حیات است پناهنده های بسیاری برای نجات جان خود و فرزندانشان راهی اروپا و مناطق امن خواهند شد و بحق برای دستیابی به یک استاندارد نسبتاً بهتر تن به هر خطری خواهند داد. این یک شرایط بحرانی خاصی است که نیاز به یک واکنش بلادرنگ دارد. حداقل کاری که میشود کرد این است که تمام جامعه بشر دوستان و طرفداران حقوق انسانی یک فراخوان سراسری داده و اعتراضات عمومی ای را علیه این بی اعتنائی اروپا و آمریکای شمالی به جان صدها هزار پناهنده به چالش بکشند. باید خواستار لغو قوانین ضد پناهندگی شده و در جهت نهادینه شدن قانون " هیچکس غیر قانونی نیست " یک همبستگی جهانی بوجود آورد.

اگرچه خاتمه دادن نهایی به این فاجعه انسانی و هزاران فجایع وحشیانه دیگر در گرو تلاش برای سرنگونی سیستم ضد بشری سرمایه داری است ولی از هر اقدامی به هر شکلی برای نجات این انسانهای دردمند و پایان دادن به این تسلسل تراژدی انسانی باید حمایت کرد.

## ترکیه زیر چکمه های فاشیسم

دولت فاشیستی اردوغان همانطور که رهبر حزب دموکراتیک خلق آنرا "حکومت مافیا" می نامد، دمار از روزگار مردم درآورده است. غیر از حمله های مستقیم پلیس، موج وسیعی از یورشها و بمب گذاریهای روزافزون علیه کردها و احزاب و نهادهای مدافع آنان، زندگی میلیونها انسان زحمتکش و مبارز را به ورطه نابودی کشانده است. پلیس اردوغان اگر هم از قتل و عام کردن مردم فراغتی یابد به تماشای جنایات گروههای راسیستی گرد-ستیز می نشیند که به دفاتر حزب ا.چ.دی.پی (که علنا از منافع و مطالبات خلق کرد حمایت میکند و پرو- کرد هستند) در شهرهای مختلف وحشیانه حمله کرده و آنها را به آتش می کشانند. پلیس ترکیه محافظ این گروههای مافیایی است که فعالین جنبش آزادیخواهی و حق طلبانه گرد را ربوده و آنانرا به شیوه های وحشیانه ای بقتل رسانده و اجساد آنان را در معابر به نمایش میگذارد. حتی به مسافرینی که با مقصد شهرهای کردنشین در سفر هستند حمله کرده و "الله و اکبر" گویان پرچم ترکیه را بر اجساد کشته شده شان به اهتزاز در می آورند. بمب گذاری دیروز آنکارا هم بخشی از این پروژهٔ بخون کشیدن توده ها و فعالین مبارز است که از دو سه ساله اخیر شدت گرفته است. شمار این کشته شده ها هم اکنون به بیش از 128 نفر رسیده است. چه این بمب گذاری توسط داعش اجرا گشته و چه اینکه عامل بلاواسطهٔ آن، خود دولت اردوغان بوده باشد، تفاوتی در ماهیت و نتیجهٔ ارزیابی این جنایت هولناک بدست نمیدهد. دولت اردوغان و داعش دست در دست هم، خلق کرد و مدافعین ترک آنان را

هدف قرار داده و سلاخی می کنند. همین اردوغان بود که کوبانی را در محاصره نگه قرار داد و مرزهایش را بروی مردم بی پناه بست ولی بیمارستانها و تسهیلات درمانی اش را برای داعش و مجروحینش فُرق کرد. دولت بیشرم اردوغان بیشتر از آن رسوا گشته است که بتواند رد پای خود را از این واقعه پاک کند.

امپریالیسم آمریکا هم با محکوم کردن این جنایت، حمایت خودش را بار دیگر از اردوغان اعلام کرد و ابراز امیدواری میکند که با همیاری ترکیه معضل تروریسم را در منطقه خاتمه دهد! معضلی که با کمک ترکیه و عربستان و کویت و دیگر ارتجاع محلی کل منطقه را در آتش جنگ و خانمانسوزی به نابودی کشانده است. این اشک تمساح ریختن ها دیگر کلیشه شده و فقط دلالت سرمایه داری بر اوج وقاحت و بیشرمی اش را به نمایش میگذارد. ابراز همدردی و غمخواری این قاتلین توده ها قادر نیست واقعیت امر را انکار کند.

این عمل دهشتناک به هر اسم و با هر شیوه ای که توسط مسئولین دولتی توجیه و لاپوشانی میشود، نمی تواند وجدان بیدار توده ها و خلق ترکیه را فریب دهد. توده های مبارز ترکیه براحتی مرعوب این فضای مرگبار نشده اند و نمیشوند. و اینرا درک کرده اند که فقط با ادامه و حفظ این بسیج سراسری و مبارزه بی امان است که مافیای در قدرت را میتوانند بزیر بکشانند و یا به عقب برانند. رژیم فاشیستی اردوغان ننگش ابدیست و مرگش نزدیک است. راه این مبارزان پُر دوام و یادشان عزیز.

نوشین شفاهی

11 اکتبر 2015

## بمناسبت اول مهر ۱۳۹۴ و

### بازگشائی مدارس...

دانش آموزان ، دانشجویان ، آموزگاران و استادان مبارز در آستانه بازگشائی دانشگاه ها و مدارس کشور، اتحاد و مبارزه شما برای تغییرات بنیادی در نظام آموزشی و حمایت و پشتیبانی از سایر جنبش های اجتماعی انقلابی بر علیه نظام استثمارگرانه و سرکوبگرانه حاکم، انتظاری است برحق، چرا که دانشگاه ها و مدارس کشور طی نزدیک به صد سال سنگر بزرگ آگاهی ، آزادی و مبارزه بوده است.

ما آغاز سال تحصیلی 94-95 را به همه شما دانش آموزان ، دانشجویان ، خانواده ها و آموزگاران شادباش میگوئیم و شمارا به اتحاد و مبارزه جهت تحقق خواست ها و مطالباتتان فرامیخوانیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

**در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی ، دولتی ، شرکتها ، صنایع و کارخانجات ، کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محترکین بر می افتد .**  
\* **در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره ، ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به کار که کار نکند نمیخورد .**

## در گرامیداشت یاد و خاطره جانبخته گان دهه شصت

بزرگداشت یاد و خاطره دهها هزار کمونیست و آزادیخواه که در دهه شصت بدست رژیم داعشی اسلامی به جوخه های مرگ سپرده شدند، بزرگداشت حماسه آفرینی تمام انسانهایی است که در طول تاریخ بشریت در مقابل ظلم و ستم ددمنشان در قدرت، بپا خواسته و جانشان را تاوان حق طلبی شان قرار داده اند.

فارغ از اینکه چقدر اعمال فضای پلیسی و جو ارعاب، در پروسه تثبیت سیاسی رژیم نقش حیاتی داشت، ولی انگیزه دیگری در یورش کودتا-گونه رژیم به جبهه انقلاب و تسریع پروسه انهدام و درهم کوفتن صفوف انقلابیون نقش داشت. این انگیزه مستقیماً شعور طبقاتی و شور انقلابی توده های اقشار تحتانی جامعه و بالاخص طبقه کارگر را مد نظر داشت. تسریع روز افزون روند خود-آگاهی و امر تشکل و سازمانیابی در فرهنگ مبارزاتی توده های کارگر یکی از برجسته ترین دستاوردهای انقلاب بود و میرفت که بنیان ضربه خورده سرمایه داری را بیشتر آسیب پذیرتر کند. رژیم اسلامی که خود جناحها و گرایشات انحصار طلب و قدرتگرایش در چپاول غنائم بدست آمده از انقلاب، پشت صحنه بجان هم افتاده و به رقابت برخاسته بودند، هر درجه از رادیکالیسم موجود در جامعه جانیشان را به لرزه درآورده و موقعیت لرزان و شکننده سیاسی شان را بیشتر در معرض تعرض انقلابیون قرار داده بود.

جناح خمینی در وحله اول، برای یکپارچه کردن صفوف سرمایه داری و حمایت اقشار مختلف آن از این جناح اسلامی و بازاری در قدرت، و نهایتاً تثبیت خودش در راس قدرت سیاسی و نمایندگی این طبقه، می بایست ظرفیت سرکوب و کنترل انقلاب را

به مراتب بیشتر و سبوعانه تر از رژیم ساقط شده سلطنتی به اثبات میرساند. بنابراین حضور پر شور فعالین کمونیست و انقلابیون آزادیخواه نه فقط بخاطر تناقض با بنیان یک رژیم توتالیتر و خارج از مرزهای قابل تحمل شریعت اسلام، بلکه بدلیل نفوذ و تاثیر غیر قابل کتمانش با "روند خود-آگاهی و سازمان یابی" طبقه کارگر بود که در صدر لیست "چه باید کرد" های رژیم برای حفظ حیات سیاسی و سرکوب مخالفینش قرار گرفت.

امر بازسازی سازه های نظام سرمایه داری و راه اندازی مجدد آن با ظرفیت سودآوری مجدد در گروه بسیج تمام جناحهای ضد انقلاب در قدرت بود.

این روند بازسازی سیستم، در متن پر تلاطم و انقلابی جامعه ایران که هنوز اهداف و خواسته های سیاسی-اقتصادی اش را مطالبه می کرد به آسانی میسر نمیشد و کار توده ای فعالین انقلابی، آهنگ فرآیند نظم مورد نظر رژیم را آشفته کرده بود. خمینی فراخوان بسیج علیه "ضد انقلاب" را صادر و به کردستان حمله کرد. ولی این به اصطلاح "ضد انقلابیون" عرصه های بسیار وسیع اجتماعی دیگری را هم در بر می گرفت که براحتی حاضر نبود از آرمانهایی که برایش انقلاب کرده بود دست بشوید و تسلیم استبداد مذهبی شود. حکم سرکوب سراسری، تمام ارگانهای تازه تاسیس شده را متحد کرده و بجان انقلابیون انداخت. سپاه پاسداران و باندهای او باشان مسلح اش نه برای حفاظت از آنچه که رژیم "انقلاب" خطاب میکرد بلکه جهت سرکوب خود انقلاب بوجود آمد. سپاه و کمیته ها و این باندهای اشرار با بهره گیری از تجارب عوامل و نیروهای بازمانده رژیم سابق که خود در راس برخی از

ارگانهای سرکوب رژیم جدید در آمده بودند، بسرعت انهدام هرگونه برآمد انقلابی را وظیفه عاجل خود قرار داد.

بدنبال حمله به کردستان، سرکوب ماهیگیران انزلی، حمله به شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و ترور رهبران آن، اعزام هیئت مرگ خلخالی به استانهای مختلف، و حمله به دانشگاهها و کشتار دانشجویان پروسه پاکسازی وسیعتر و خونبارتر را شدت بخشید. در این مدت و تا اواخر دهه هفتاد سیاست رسمی رژیم، بسیج تمام گرایشات و جناحهای ضد انقلاب در درون یک ظرف سیاسی و تک حزبی با رهبری خمینی بود. که با همکاری همه آنان کار یکسره کردن انقلاب و نیروهای انقلابی که هدف بلافصل شان بود را به اتمام برسانند.

آزاد گذاشتن دست این ارگانهای سرکوب و دادن قدرت بلامنازع به آنان موجی از دستگیریهای گسترده و اعدامهای سراسری در دادگاههای صحرائی گونه رژیم را بدنبال داشت که در تاریخ معاصر ایران بی سابقه بوده است. ضرورت اجتماعی و بیولوژیکی ارگانهایی که قرار بود وظیفه حفظ آرایش طبقاتی-سیاسی موجود را بعهده بگیرند طبعا نیازمند دم و دستگاه عریض و طویلی بود که خبره، و کارشناس اعمال وضع قوانین و قانونمندیها لازمه باشد. این نهادها از راس هرم قدرت -ولایت فقیه- گرفته تا شورای نگبان، مجلس خیرگان، امامان جمعه، سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب و بسیج همگی کارگزاران و کارشناسان مشروعیت این استبداد مذهبی شدند. و هر کدام در این فاجعه سعی در بردن گوی رقابت از رقیب خود داشتند. نقش این کارشناسان و نهادهای متبوعشان در هر چه بیشتر اسلامیزه کردن ساختار سیاسی-اجتماعی ایران از کانال موجی از قتل و غارت عبور میکرد. رژیم

## کشته شدن کارگر انقلابی و زندانی. شاهرخ زمانی ...

سیاست اصلی رژیم محو رهبران و فعالین محبوب جنبش کارگری یکی پس از دیگریست و اگر بخاطر محبوبیت جهانی و افکار عمومی دنیا، آنان را مثل دانشجویان و انقلابیون دیگر نمی تواند با توجیحات ضد امنیتی دار بزند، اینگونه فریبکارانه به حذف فیزیکی آنان می پردازد.

اگرچه جسم و جان شاهرخ زمانی از شکنجه های بسیار و اعتصاب غذاهای زندان بسیار آسیب دیده بود ولی روحیه مبارزاتی و پُرش توانش هرگز تسلیم تهدیدها و ددمنشی های رژیم ضد کارگری اسلامی نشد. و عزم و استقامت آشتی ناپذیرش با دشمنان قسم خورده طبقه کارگر ستودنی و روحیه آفرین بود و هست. باشد که یاد و خاطره رزمنده و انقلابی او در حافظه و تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر مانا و جاویدان بماند.

ما رژیم ارتجاعی اسلامی ایران را مسئول مستقیم مرگ کارگر مبارز شاهرخ زمانی میدانیم و بقتل رساندن این کارگر انقلابی باید توسط جنبش جهانی کارگری و تمام نهادهای بزرگ و کوچکی که هم و غمشان آزادی کارگران از زنجیر استثمار و بردگی سرمایه است، قویا محکوم شود.

ما ضمن تسلیت به خانواده، اقوام، دوستان و رفقای شاهرخ زمانی، تاسف قلبی خود را بخاطر از دست دادن رفیقی مقاوم و مبارز عمیقا ابراز می کنیم و جایش در صفوف رزمنده جنبش کارگری برای همیشه خالی می بینیم.

سرنگون باد رژیم رژیم ضد کارگری و آدمکش جمهوری اسلامی  
23 شهریور

طرح شده را تبلیغ و ترویج کرده اند. کار تبلیغی-ترویجی فعالین جنبش چپ در واقع بر پایه همین هدف و برای توضیح ساختار قدرت در نظام سرمایه داری و شناختن ابزارهای تغییر آن مبتنی بود. فارغ از اینکه جنبش چپ و گرایشات و طیفهای مختلف آن چقدر در این راستا موفق بوده و یا انحراف رفته اند، آنچه که به رژیمها سرکوبگر و در این مورد رژیم اسلامی برمیگردد پتانسیل امر رادیکالیزه کردن مبارزات و جنبشهای اجتماعی توسط فعالین این جنبش بود که موجب هراس واقعی رژیم گشته بود. به کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه و سازمانهای چپ و انقلابی مهر "ضد انقلاب" زده شد تا کشتار آنان توجیه شود.

اتهام "ضد انقلاب" در شکل کلی آن شامل تمام آنچه میشد که در زندگی اجتماعی توده ها از محدوده تفکر و رفتار مجاز و قابل تحمل رسمی فراتر رفته، و بلاواسطه و یا غیر مستقیم کل ساختار نظام و یا بخشی از آن را به چالش میگرفت. اولین و اصلی ترین هدف این کشتارها کمونیستها بودند و این بخاطر نقش کمونیستها نه فقط در نفوذ نگاه طبقاتی و برابری طلبانه در جنبشهای خودبخودی اجتماعی، بلکه در کشت و بسط مهارتهای فکری و برخورد نقادانه به پدیده های اجتماعی و مناسبات حاکم در جامعه است که آنان را همواره در رأس این حملات در همه جای دنیا قرار میدهد.

جمهوری اسلامی با چیزی غیر از این کشتارها و سرکوبگری فاشیستی اش شناسه نشده و نام ننگین و ارتجاع سیاهش برای همیشه در تاریخ به ثبت رسیده است.

یاد و خاطره جانباخته گان 37 سال ددمنشی رژیم اسلامی، گرامی باد  
ننگ و مرگ بر رژیم فاشیستی اسلامی  
ایران

اسلامی امر خفه کردن جبهه انقلابی را با ایجاد این چنین فضایی به پیش برد، و همینطور برای اینکه توده ها را بالاجبار به پای صندوقهای رای، نماز جمعه، تظاهرات و راهپیمایی های دولتی و حضور در مراسم و دیگر تشریفات مذهبی کشانده و در قبال فاشیسم حاکم مجبور به بیعملی محض کند، مجموعه ای از قوانین کیفری، و پیامدهای وخیم اقتصادی-اجتماعی برای متخلفین آن نهادینه کرد. بخشی از توده های مردم بخاطر گریز از این عواقب شوم بطور غیر مستقیم در پروسه تثبیت سیاسی رژیم بکار گرفته شدند، بویژه کسانی که در استخدام بخش دولتی بودند. رژیم اسلامی همینطور با ترفند های گوناگون از جمله باورهای مذهبی بخش دیگری از مردم، و استفاده از نفرت بحق شان از امپریالیسم آمریکا بخاطر حمایتهای سیاسی-نظامی اش از رژیم سابق، این بخش از مردم را به نظاره گران خاموش این کشتار تبدیل کرد و دستاوردهای انقلاب ناتمام را یکی پس از دیگری در عرض دو سال و نیم نابود کرد و نسل جوان و انقلابی دوران انقلاب بسرعت مورد سلاخی قرار گرفت. در سالهای بعد در سال 78 و 88 هم ما شاهد حمله های وحشیانه و خونین دیگر به انقلابیون بویژه جوانان انقلابی بودیم.

در سطح جهانی در یکی دو قرن پیش دانشگاهها و موسسات آموزشی و کلا قشر جوان جامعه بشکل فزاینده ای در امر آموزش و ترویج ایده های سوسیالیستی و کلا گرایشات برابری طلبانه نقشی برجسته ایفای کرده اند. این آموزه ها در جهت معطوف کردن اذهان عمومی و بویژه در میان بدنه کارگری جامعه به معضلات اجتماعی و مطالبات سیاسی-طبقاتی آنان سمتگزی شده و پاسخها و راه حل های ممکن

## کشور را حکام دزد و نالایق به کدام سو میبرند ؟

مسائلی در منطقه میگذرد که با دقت کافی باید زیر نظر گرفته شود و مورد ارزیابی قرار گیرد. ارتش اسرائیل ساخته داعش به کمک کشورهای سرسپرده امپریالیستی منطقه نظیر عربستان، قطر و اسرائیل نه تنها توانسته جنایات بیشماری علیه بشریت در منطقه به انجام برساند بلکه بیش

از دو سوم خاک سوریه و عراق را در اختیار دارد. و علاوه بر کمک های نظامی و مالی کشورهای یاد شده و امپریالیستها خود نیز بخشی از نفت و سلاح های ارتش های کشورهای تحت اشغال خود را به غنیمت گرفته است. هم اکنون علاوه بر سوریه و عراق توانسته ایالت قندوز افغانستان را نیز با چراغ خاموش تحت عنوان طالبان به تسخیر در آورد. در مسکو روسیه اعلام نمود که خانه ای تیمی مربوط به داعش را کشف و یازده نفر در آنجا دستگیر نموده است که همه آنها در سوریه آموزش برای ساختن بمب و چگونگی به کار بستن آن را دیده اند. رئیس جمهور تاجیکستان به روسیه رفت و در آنجا با همتای خود در مورد داعش به گفتگو نشست و ضمن اعلام اینکه داعش در کشور وی نیز دارای پایگاه میباشد از روسیه جهت حراست از مرز مشترکش با افغانستان مدد خواست.

1. کشورهای سرمایه داری دچار بحران اقتصادی هستند و تاکنون نتوانسته اند با آن مقابله نموده و آن را حل کنند و تنها راهی که تاکنون برای مقابله با بحران برگزیده اند بر پا نمودن جنگ بوده و برای برپایی جنگی و تداوم آن نیاز به داعش و تشکل های ارتجاعی امپریالیسم ساخته می باشند و با همین تشکل ها در منطقه به آتش تنور این

جنگها دمیده اند. براستی خنده دار نیست؟ وقتی سخنگوی شبکه بی بی سی سخن از چندساله شدن جنگ امریکا و همپیمانانش در سوریه با داعش میکند و این در حالی است که مردم منطقه دیدند که امریکا بیست روز ارتش صدام که ارتشی کلاسیک بود را نه تنها زمین گیر بلکه نابود نمود. این مقاومت داعش نیست که توانسته تاکنون بماند بلکه عدم تمایل واقعی در برخورد با این تشکل ارتجاعی است که وی تاکنون توان مقابله پیدا کرده است و دلیل دیگری که باعث بقای داعش گردیده نیروهای مقابل وی که چهره ای افشا شده در منطقه دارند میباشدند. همانند ایران و حزب الله لبنان که شرکت این دو نیروی ارتجاعی در سوریه و بخصوص در عراق (با کارنامه ای که جمهوری اسلامی و مالکی بجا گذاشته) خاک به چشم مردم این دو کشور پاشیده و توان تشخیص سره از ناسره را برای مردم دشوار نموده است.

2. جمهوری اسلامی، رژیم حاکم بر ایران برای اینکه خطر را از خود دور نماید خود را به مسئله سوریه گره زده بود. رژیمی که طی 35 سال تلاش نموده بود با نمادهای فرهنگی و هنری ایرانیان که آنها را مخالف سنت ها و فرهنگ اسلامی میدانست مخالفت کند، اخیر هویت ایرانی برایش مهم شده و از تمامی رسانه ها و توسط مجریان و هنرمندان سعی دارد که جو ضدیت با اعراب را ترویج نماید. چه مسئله ای باعث این اعمال گردیده؟

بحران اقتصادی (رکود تورمی حاکم): رژیم بخصوص جناح روحانی مدتها بود که تبلیغ میکرد که چنانچه مسئله هسته ای را حل نمایند با سرازیر شدن پولهای بلوکه در غرب و هجوم شرکتهای غربی برای

سرمایه گزاری مواجه خواهیم شد و پس از این سازش تمامی مشکلات رخت خواهد بست. در حالی که اکنون خود نیز متوجه شده اند که با سازش هسته ای نیز اتفاقی خاص رخ نداده و نخواهد داد و نه تنها مشکلات بر طرف نشده بلکه توده ها که با تبلیغات حکومتی انتظار رفع مشکلات و بی کاری و ... غیره را داشتند با متوجه شدن این قضیه خشمگین تر شده و فقط خواسته های آنها افزایش پیدا نموده است. به همین دلیل است که بخشی از حاکمیت با این تحلیل که بزودی شورشهای گرسنه گان روی خواهد داد امید دارند که تاریخ را تکرار نموده و دست به جنگی در منطقه بزنند شاید در سایه این جنگ بتوانند که بحران را تخفیف داده و مدتی برای خود زمان بخرند.

محسن رجب زاده - تهران 24/7/94

**ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است. اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوازی و برقراری نظامی فدراتیو و شورانیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان، از تبعیض جنسی و نژادی از سرکوب، زندان و شکنجه، اعدام و از بیکاری، بی مسکنی، فقر، انهدام محیط زیست و ... خبری نباشد.**

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واژگونی جمهوری اسلامی را بمثابة برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط یک جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند.**

**کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیات سیاسی سازمان اتحاد فداییان کمونیست منتشر می شود .**

**آخرین اخبار و گزارشات . مقالات . اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد فداییان کمونیست از سایت زیر دریافت کنید :**

**[Www.kare-online.com](http://www.kare-online.com)**

**آرشیو اسناد . اطلاعیه ها و نشریات سازمان در سایت :**

**[Www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)**

**برای تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید**

.....

**کار کمونیستی آنلاین**

**[info@kare-online.org](mailto:info@kare-online.org)**

**روابط عمومی**

**[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)**

**کمیته کردستان**

**[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)**

**کمیته آذربایجان**

**[azar@fedayi.org](mailto:azar@fedayi.org)**

**کمیته تهران**

**[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)**

**کمیته کرج**

**[karj@fedayi.org](mailto:karj@fedayi.org)**

دوستی و اتحاد ما کارگران ملل مختلف در نبرد مشترک ما بر علیه سرمایه داری حاصل میشود نه در نفی حقوق دموکراتیک یکدیگر . برای همین است که برنامه ما با در نظر گرفتن رشد تاریخی ملل ساکن ایران تشکیل فدراتیو شورائی را هم شکلی از استقلال و هم شکلی از گذار به وحدت آزاده و کامل پیشنهاد میکند . در جمهوری فدراتیو شورائی همه ملیتها حق دارند بدون قید و شرط تصمیم بگیرند که در صورت تمایل در نهادهای فدرال شورائی شرکت کنند و یا جدا شوند . فدراتیو شورائی شکلی از اتحاد است که خلقهای دارای حق تعیین سرنوشت بطور دواطلبانه به آن می پیوندند . فدراتیو شورائی درست نتیجه و برگردان درخواست ها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف است و آن قوانین ، فرم ها و اشکالی را ثبت میکند که خود کارگران و زحمتکشان در جریان مبارزه و انقلاب بوجود میاورند . نمونه هائی که اشکال نطفه ای آن را در انقلاب مشروطیت و تکامل یافته تر آن را در قیام بهمن شاهد بودیم و اگر در آن موقع سطح رشد و تکامل جامعه و صف بندیهای طبقاتی مانع از آن شد که این تلاشها به استقرار اشکال حکومتی طبقه کارگر منجر نگردد ، امروز با طرح و حل این مسائل باید امکانات نظری و عملی آنرا فراهم نماییم .

**لینک برنامه سازمان اتحاد فداییان کمونیست**

**[http://www.fedayi.org/  
content/  
blogcategory/15/90/](http://www.fedayi.org/content/blogcategory/15/90/)**

**با کمک های مالی خود ، سازمان اتحاد فداییان کمونیست را در پیشبرد برنامه و اهداف انقلابی اش یاری رسانید .**

**کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورائی !**